مناظره شب و روز

منقسم میشود.اسباب آشکار آن علّتهائی هستند که همهء متتبّعین و منقّدین‏ بدان پی میبرند و بآسانی میتوان دریافت و اسباب خفیّه آن علل عمده‏ای‏ هستند که غالبا از نظر سیاسیّون ردّ میشود و باین جهت زحمات آن‏ جمع در هر نوع اصلاحات با ملاحظهء همهء اطراف کار و انواع تبدیلات‏ و تصحیحات و زیرورو کردن و هزار بار حکّ‏واصلاح باز بجائی منتهی‏ نمیشود مادامیکه معمار آن بنا سرّ صنعت را که استادان کار می‏بینند در نیابد و باصطلاح لمّ کار و فوت کاسه‏گری را بدست نیاورد.

بدون تمهید مقدّمهء دراز بگذریم باصل مقصود و آن این است که علاوه‏ بر علل اساسی و بزرگ نظر زن در عقب ماندن مملکت ما که واضح و روشن‏ است مانند بی‏علمی عامّه و نبودن راه صحیح و انتشار امراض فتّاک‏ و بندگی و اسیری دهاتی و معیوبی فوق العادهء آلت معرفت یعنی الف‏بای‏ عربی و نبودن تربیت زنان و زندانی بودن آنان که همه کس(ما شاء اللّه!) در این زمان ملتفت شده بعضی علل خفیّهء بسیار مهم نیز موجود است‏ که اهمیّت آنها کمتر از علل سابق الذّکر نیست و بلکه گذشته از عدم‏ انتشار علم و تربیت از خیلی از اسباب دیگر مهمّتر و بر آنها مقدّم است. در این باب ما عجالة دو فقره ذکر میکنیم که بعقیدهء ما از اعظم دلایل‏ ثستی و خواری ما میباشد.یکی غفلت عامّه از ورزش بدنی بانواع‏ گوناگون آن است که صدها قسم از آن در فرنگ بهزاران وسایل از طفولیّت تا پیری رایج است و مایهء اساسی و اصل قوّت اجتماعی این ملّتها است و باید بلا شکّ این سنّت واجب یعنی ورزش و بقول فرنگیها «اسپورت»را در ایران نیز بترتیب اروپائی بی‏اندازه ترویج کرد.علّت‏ خفی دوّم که بنظر ما خیلی عمده است و مقصود اصلی از این سطور آن‏ است نداشتن اشخاص ماهر در هر فنّ و اهل اختصاص است که تمام اوقات‏ خود را بیک رشته از علوم یا صنایع داده و حتّی بیک شعبهء کوچک از آن رشته تمام عمر را صرف کنند تا سرمایهء اساسی علم در ملّت خزینه‏ و ذخیره‏ای داشته باشد و این اشخاص ستون و بنیان معرفت فنون مختلفه‏ در مملکت باشند ورنه اطّلاعات عمومی از هر چیز داشتن و همه دان‏1 بودن فقط بدرد مدّعیان جاهل و خودستائی آنها میخورد که آدم در مجالس و در هیچ صحبتی از دیگران عقب نماند ولی تمام مملکت یک نحودان‏ کامل،یک لغوی صحیح،یک منجّم ماهر،یک مورّخ دست.یک‏ ماشین‏ساز حسابی نخواهد داشت در صورتیکه هزار نفر جامع المعقول‏ و المنقول در اظهار فضل بهمدیگر سبقت میجویند خصوصا در استعمال‏ اصطلاحات سیاسی و علم حقوق.در هر ولایتی صد نفر«سیاسی‏دان» دارای عنوانات جدیدهء«افتخار ایران و نجات‏دهندهء وطن»نشسته و یک‏ طبیب کامل دارای اسباب و آلات کافی نخواهد بود که مرض مستولی در خراسان را تشخیص بدهد یا تحقیق کند و«مرض امساله»اش ننامد و یک بیطاری که از قتل عامّ گاوها جلوگیری بتواند کرد. (1) Encyclope?de

مناظرهء شب و روز

در میان مخترعات شعرای قدیم فارسی زبان از جملهء انواع گوناگون‏ شعر یک هم‏مناظره بود.مناظره بسیار خوشمزه و دلکش است و مقصود از آن این بوده که شاعر میان دو چیز مانند دو نفر انسان مجادله و مباحثه‏ در باب تفاخر و اذعای فضیلت بر همدیگر در اولویّت هرکدام و ادّعای‏ حقّانیّت آنها با نظم دلکش میسرائید.در این باب صنایع شعری زیاد بخرج‏ رفته و موضوعهای مختلف پیدا نشده:آفتاب و ماه،زمین و آسمان،سرما و گرما،تیر و کمان،قلم و شمشیر،بهار و خزان،عقل و عشق.....

الخ موضوع و مطرح مناظره قرار داده شده.این مناظرات تنها در میان‏ دو چیز متنوّع که هر دو فضایل مخصوصه‏ای داشته باشند مثل آفتاب و ماه‏ نبود بلکه دامنهء استدلال سوفسطائی و خیال شاعرانه بجائی رسیده بود که‏ حتی در میان اشتیائی که اصلا نقیض همدیگر بود و ترجیح یکی بر دیگری‏ ضرب المثل بود نیز مناظره ترتیب داده شده مثل شب و روز که یکی نور محض و دیگری ظلمت صرف است چنانکه خیال تیز اسدی طوسی مناظرهء قشنگی در میان این دو چیز که مظهر وجود و عدم میباشند ساخته است.

اگر این نوع مناظره‏ها منظوم و محض صنعت شعری و برای تفریح‏ ذوق ادبی باشد زیانی ندارد ولی اگر حقیقة و بنثر عاری از پیرایهء خیالی‏ و بدیعی کسی بخواهد در ترجیح شب و روز بهمدیگر بحث و مطلب بدیهی را نظری کند مورد مسخره و مضحکه واقع شده و بر عقل او مردم میخندند.

لکن در این زمان در ایران اغلب دیده میشود که مباحثه و مجادلهء جدّی در ترجیح علوم و آداب و عادات و شئون اروپائی و ایرانی جاری‏ میشود یکی میگوید بلی فرنگها در طبّ خوب ترقّی کرده‏اند امّا در علم‏ نحو بپایهء علمای ما نمیرسند دیگری گوید فرنگی معدن‏شناسی را بلد است‏ امّا در بنّائی استاد جعفر چیز دیگر است.روسها توپ زیاد دارند ولی مثل شاهسون و قشقائی محال است نشانه بزنند.از همه گذشته شعر که مخصوص خودمان است و فرنگی شعر درستی ندارد.برای آنکه بیک‏ کلمه بهمهء این افسانها(که حتّی تربیت‏شده‏های درجهء اوّل ما هم باز اقّلا در یک قسمتی این‏گونه ادّعاهای بیمعنی هستند و هر قدر هم معتقد تمدّن فرنگ بشوند عاقبت جاثی میلنگند)جواب بدهیم باید بگوئیم‏ که ما ایرانیها یعنی بطور هیئت اجتماعیّه مادّة و معنی،در علم و ادب،در صنعت و ذوق،در موسیقی و شعر،در عادات و آداب،در زندگی و مردگی،در جسم و روح،در اداره و سیاست،در پشت‏کار و کار کردن‏ از ملل متمدّن فرنگ صد هزار فرسنگ عقب مانده‏ایم و باید ملیّت خودمان را یعنی نژاد و زبان و تاریخ خودمان را نگاهداشته پشت سر فرنگها بدویم‏ و ترقیّات و تمدّن آنها را بدون چون‏وچرا و بدون اجتهادات بیمعنی اخذ بکنیم و بلاشرط تسلیم تمدّن مغرب بشویم نه در الف‏بای عربی سختگیری‏ کنیم و علاقهء مخصوصی بدان اظهار کرده جزو لوازم ملیّتش قرار دهیم‏ و نه در باب تربیت زنان نق‏ونقی کنیم.

این اوقات یعنی از چند سالی باینطرف صحبت غالب در ایران از سیاسیّات است و قسمت غالب مردم از آنان که در علّت تنزّل و تأخّر ایران‏ فکر میکنند همه را در خصوص نواقص اداره و حکومت و معایب دولت‏ در ایران و کامل بودن آن در اروپا غور نموده و گمان میکنند که جهت‏ اینکه ایران اینقدر بطور ترّحم‏انگیز و شرم‏آمیز از فرنگ عقب مانده آن‏ است که توپ و قشون منظّم،بودجهء مرتّب،پول زیاد،دستگاه دولتی‏ خوب و مترقی ندارد.لکن باید دانست که این فقره فقط یک جزء از هزاران جزء کار است نه قسمت اجتماعی است.هر عوام فرنگی از قطب شمال و جنوب و سفرهای علمی برای کشف آنجا شنیده و خوانده‏ و هر ایرانی عوام زمین را روی شاخ گاو و دجّال را در چاه اصفهان میداند.

ما در صفحات«کاوه»برای روشنی تامّ این فرق فاحش در تحت‏ عنوان فوق یعنی«مناظرهء شب و روز»و در ستون مخصوص قطعاتی‏ متفرقّه از علوم حقیقی و نورانی و مثبت اروپا در هر زمینه و علوم‏[یا جهل‏] تاریک مشرقی در همان باب بتدریج در«کاوه»درج میکنیم که تفاوت شب‏ و روز در مقام مناظره چشم زنند و بارز باشد چنانکه در شمارهء گذشته‏ «کاوه»نمونه‏ای از این قبیل مقاله را در خصوص«علم حیوان‏شناسی» و«فقه اللّغه»بنظر خوانندگان رساندیم..و در این شماره نیز مختصری از علم مسالک و ممالک(جغرافی)«غربی»و«شرقی»ذیلا درج میشود و بدین ترتیب مانند«موزه»ای که در آن نمونه‏ای فلاخن و تیر و کمان عهد عتیق پهلوی توپ مسلسل آخرین طرز گذاشته شود در صفحات کاوه‏ تماشاخانهء کوچکی از پهلو بپهلو گذاشتن محصول عقل فلاخن اندازهای‏ قدیم(که هنوز هم نزد اخلاف وفادارشان که تفنگ را بتقلید استعمال‏ میکنند حجّت است)و نتیجهء علم توپ‏سازها بعمل میآید که بی‏تماشا نیست.

علم جغرافی‏ غربی‏ آفتاب نصف‏ شب

معلوم است که بواسطهء عرض شمالی و جنوبی هر نقطه‏ و بنسبت بعد از خطّ استوا روز و شب در آنجا درازتر و کوتاه‏تر میشود مثلا در نصف کرهء شمالی در تابستان‏ روزها بلند و شبها کوتاه میشود و در زمستان‏ بالعکس.این بلندی و کوتاهی روز و شب بنسبت زیادی عرض جغرافیائی‏ هر نقطه افزونتر میشود مثلا در خاک ایران در چابهار از سواحل‏ بلوچستان که عرض شمالی آن قریب 25 درجه است بلندترین روز تابستان 13 ساعت و 33 دقیقه است و در تبریز که عرضش 38 درجه‏ است بلندترین روز تابستان 14 ساعت و 40 دقیقه است.در برلین‏ پایتخت آلمان که عرض شمالی آن قریب 52 درجه و نیم است بلندترین‏ روز قریب 16 ساعت و 40 دقیقه است و در پترسبورگ که 60 درجه‏ عرض دارد بلندترین روز 18 ساعت و نیم در شهر آرخانژل در شمال‏ روسیّه که نزدیک به 65 درجه عرض دارد(یا قدری در شمال آن) بلندی روز به 21 ساعت و 8 دقیقه میرسد.در 66 درجه و نیم عرض‏ شمالی مانند نقاط شمالی کانادا و سوئد و روسیّه بلندترین روز 24 ساعت‏ است یعنی در ابتدای تابستان(اوّل سرطان)آفتاب دیگر غروب نمیکند و در نیمهء شب(ساعت دوازده فرنگی)باز دیده میشود و از این درجه بالاتر روز باز بلندتر است یعنی طول روز در موسم مذکور معادل چندین شبانه‏روز ما میشود چنانکه در 67 درجه و 23 دقیقه عرض بلندی روز بیک ماه و در 69 درجه و 51 دقیقه بدو ماه و در 73 درجه و 40 دقیقه بسه ماه‏ و در 78 درجه و 11 دقیقه بچهار ماه و در 84 درجه و 5 دقیقه به‏ پنج ماه و در خود قطب(یعنی 90 درجه عرض)بشش ماه میرسد.مقصود ما صحبت از نقاطی نیست که باشکال میشود آنجا رسید بلکه منظور تعریف‏ نقاطی است که شهرهای آباد و متمدّن در آن واقع است و با راه‏آهن‏ بکمال آسانی مسافرین بدان نقاط برای تماشای«آفتاب نصف شب»در تابستان میروند.

از بهترین این نقاط در فرنگستان که از حیث مسافرت آسانترین محلّها است کوه گلیوارا1است در شمال مملکت سوئد که از استوکهولم با خطّ راه‏آهن بقصبهء واقع در آنجا مستقیما میروند.این قصبه قریب 000'12 نفر سکنه دارد.تپّهء گلیوارا که نزدیک این قصبه بفاصلهء دو ساعت راه پیاده‏ از ایستگاه راه‏آهن واقع است مهمانخانهء خوبی دارد که در آنجا از 15 جوزا تا 17 سرطان تماشای آفتاب نصف شب را میکنند.

معلوم است که در نقاط دارای عرض زیاد که روز در اواخر بهار و اوایل تابستان چنانکه شرح داده شد خیلی بلند میشود برعکس در اواخر پائیز و اوایل زمستان بهمان نسبت روز کوتاه و شبها بهمان اندازه‏ بلند میشود.

اینک جدول مختصری مشتمل بتناسب عرض نقاط و بلندترین روز یا شب آنها مزیدا للتّوضیح در اینجا ثبت میشود:

رودخانهء نیل که در مصر جاری شده و بدریای قلزم(مدیترانه) میریزد یکی از درازترین رودخانهای دنیا است و در واقع‏ بعد از رود میسی‏سیپی-میسوری در آمریکای شمالی آن‏ رودخانه درازترین نهر روی زمین است.